

شرق روزنامه

نگاه

خندانن از روی بی‌دردی



سیدمجید حسینی‌زاد

گاهی ناچاری و ناگزیری، راه چاره‌ای درست را در برابر فرد قرار می‌دهد، هرچند شاید اوافتان‌وخیزان این راه را برود، ولی بهتر از ایستایی و درجاذن است. ماه مبارک امسال از این نظر برای سیمای جمهوری اسلامی چنین شرایطی را ایجاد کرد. به ریشه‌های شکل‌گیری شرایط کاری نداریم که شاید بودجه، تغییر مدیریت‌ها، نبود افراد کارآمد و... باشد، این ریشه‌ها و دلایل هرچه می‌خواهند باشند، ولی شرایطی مبارک برای سیمای ایجاد کردند. سیمای تمسک به سربال‌هایی که عمدتا بیانیه اخلاقی بودند تا یابمی در قالبی فکرسدیده و هنری یا هزل‌وهجوی در لباس طنز دست کشید و به تاک‌شو، مستند و... که سال‌ها جایشان خالی بود، روی آورد که هرچند اکثرا ضعیف بودند، ولی شروع خیری است، ضعیف بودند چون خلایقیتی در آنان نبود، مثلا برنامه‌ای که سال‌هاست با خوب‌وبشد پخش می‌شود و سبک‌وسایقی یافته است، حتی در رنگ دکور نیز از سوسی برنامه‌های مشابه تقلید شده بود، مضمون و موضوع که جای خود دارد. با همه ضعف برنامه‌ها مثل دخالت‌دادن مخاطب به‌ضرب جایزه و نه جذبش به مشارکت از روی علاقه که نوعی آغاز به اینتراکتیوکردن برنامه‌هاست، ولی این حرکت بدعت خیری است. نگاهی به سربال‌های پخش‌شده بیشتر مؤید نظر بالاست. چند سربال تکراری که پخش آنها و مقایسه‌شان با سربال‌های معدود با اول، نشانگر خریدن در بر همان پاشنه قبل است؛ سربال‌هایی با روایتی خطی که هیچ فکر و تمهید زیباشناسانه‌ای آن را شکل نمی‌دهد و حمایت نمی‌کند و صرفا مصورکردن خطی یک واقعه است؛ مضمون تکراری و بارها تکرارشده اخلاقی از نوع نصایح اقامعلم که می‌داند و بایدد بیاموزد و بخواهد از کسی که نمی‌داند و گریزیاست، پرداختن به خیر و شر در ساده‌رین صورت دوتایی و مقایسه‌ای ممکن، پسر بد، کارمند بد، زن بد، کاسب بد و... در برابر نوع خوش؛ زنان ابرژه‌های همیشه گریان و نگران مردان، مرد داستان یا رستم است یا شهاب، پهلوان است و زورخانه‌برو یا پهلوان بوده است و جامعه‌مدرن و مقتضیاتش او را استحاله کرده و ندای بازگشت به سنن پهلوان را درک نمی‌کند. هرکدام از این مضامین به جای خود نیکو است، ولی در سربال بحث پرداخت و ارائه است؛ پرداختی با زبان ویژه و نشانه‌شناسانه فرهنگی که در قالبی زیباشناختی و تحلیلی عرضه می‌شود و اثر می‌گذارد. زیباشناسی بخش هنری کار است که می‌تواند سطحی یا تحلیلی باشد. در هنر سطحی صرفا قصای با استانداردهای مورد درخواست کارفرما بیان می‌شود و خلاص، ولی هنر تحلیلی یعنی عرضه درک و دریافت جهان زیسته هنرمند برای ایجاد هیجان یا دریافتی در ناخودآگاه مخاطب. قصه گویی برای خواب‌کردن نیست، گاهی خندانن از روی بی‌دردی خواب‌کردن است که وظیفه سیمای به‌عنوان یک دانشگاه عمومی نیست. سیمای باید شناخت بدهد و معرفت بیفزاید و سربال که بازنمایی زندگی است، باید مانند خزشکنی باشد که معبری را می‌گشاید تا بقیه انجام وظیفه کنند. به‌همین‌دلیل سربال‌ها اندک هستند و توجیه‌کنندگان - برنامه‌های توضیحی- فراوان. سربال‌های امسال سیمای نیز مانند گذشته بود و ان‌شاءالله در سال‌های آتی شاهد روایت‌های تحلیلی از زندگی باشیم تا به دنبال آن برنامه‌های مستند، تاک‌شو، گیم‌شو و... خود را توجیه کنند، سبک‌وسایق خود را بیابند و به جای یک شکل‌شدن برنامه‌ها و بازی با احساسات مخاطب، با اشکال متفاوت و مؤثر هنری و پرمخاطب روبه‌رو باشیم.

تدوین مستند «سهراب شهیدثالث» به پایان رسید

امید عبدالمهی، تهیه‌کننده و کارگردان مستند بلند «سفر طولانی سهراب» که پرتزهای درباره «سهراب شهیدثالث» فیلم‌ساز فقید و برجسته ایرانی است، از پایان فرایند تدوین این‌ پروژه خبر داد. به گزارش روابط‌عمومی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، این مستند پرتزه که مراحل پژوهش و تولید آن از ابتدای سال ۱۳۹۳ آغاز شده، بر یکی از مهم‌ترین دوره‌های زندگی «سهراب شهیدثالث» یعنی مقطعی که وی موفق به ساخت دو فیلم مهم «یک اتفاق ساده» و «طبیعت بی‌جان» می‌شود، تمرکز دارد و به ارتباط میان آثار این فیلم‌ساز پیشرو و مسیر پرفرازونشیب زندگی‌اش می‌پردازد. امید عبدالمهی درباره روند تولید این فیلم مستند که بیش از دو سال به طول انجامیده، اظهار کرد: شخصیت منحصربه‌فرد سهراب شهیدثالث و جایگاه ویژه فیلم‌هایش در تاریخ سینمای ایران از یک سو و مهاجرت او و نداشتن دسترسی مناسب به منابع تحقیقاتی و آرشیمیوز از سوی دیگر، باعث شد مراحل پژوهش و نگارش فیلم‌نامه زمانی بسیار طولانی را به خود اختصاص دهد. وی افزود: یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که ما در مسیر ساخت این پروژه با آن روبه‌رو بودیم، فرم ساختاری فیلم بود که از ابتدا برای آن انتخاب کرده بودیم؛ به این معنا که تصمیم گرفتیم فیلم را با رویکردی روایی بسازیم و از گنجاندن هرگونه مصاحبه و گفت‌وگوی مستقیمی در آن خودداری کنیم که همین امر باعث طولانی‌شدن روند تولید کار شد. عبدالمهی تصریح کرد: در این فیلم مستند که در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی تهیه می‌شود، برای اولین‌بار از عکس‌ها و فیلم‌های آرشیمیوز دیده‌نشده‌ای از زنده‌یاد «سهراب شهیدثالث» هم رونمایی خواهد شد. وی در پایان گفت: درحال‌حاضر کار صداگذاری، ساخت موسیقی و دیگر مراحل فنی این مستند به‌طور هم‌زمان در حال انجام است و امیدوارم نخستین نمایش رسمی آن در دهمین جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت باشد. گفتنی است که امید عبدالمهی با مستندهایی چون «شویه شاعلام»، «بوی بنگشه»، «طبیعت بی‌جان» و «برندگان» در دوره‌های پیشین جشنواره سینماحقیقت حضور داشته است. عوامل تولید مستند بلند «سفر طولانی سهراب» عبارت‌اند از: پژوهشگر، نویسنده، کارگردان، تدوینگر و تهیه‌کننده: امید عبدالمهی؛ تصویربردار: رضا تیموری؛ صدا: حسن شبانکاره؛ دستیار کارگردان و برنامه‌ریز: میثم عباسی؛ موسیقی متن: عماد جلالی؛ طراح گرافیک: سعید رضوانی؛ تهیه‌شده در: مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی.

دریچه

سفیر فرانسه «مستاجر» را افتتاح می‌کند

نمایش «مستاجر» به نویسندگی و کارگردانی ستاره امینیان و تهیه‌کنندگی نورالدین حیدری‌ماهر با پشت‌سرگذاشتن روزهای پایانی تمرین، برای اجرا از روز ۲۱ تیرماه در تالار حافظ آماده می‌شود. بنا بر گزارش روابط‌عمومی گروه، ستاره امینیان نمایش «مستاجر» را در مقام طراح، نویسنده و کارگردان و با همکاری کمپانی فرانسوی «رفورمانس»، از روز دوشنبه ۲۱ تیرماه در تالار حافظ روی صحنه خواهد برد. تهیه‌کننده و مجری طرح این نمایش، نورالدین حیدری‌ماهر است. نمایش مستاجر با حضور «فرانسوا ستمو»، سفیر فرانسه در ایران به‌عنوان میهمان ویژه افتتاح می‌شود. در خلاصه داستان این نمایش آمده: فردی به نام «ترلکوفسکی» وارد آپارتمانی می‌شود که مستاجر قبلی آن، زنی به نام «سیمون شول»، خود را از پنجره خانه به بیرون پرت کرده است. امینیان نمایش‌نامه «مستاجر» را براساس رمانی به همین نام اثر نویسنده فرانسوی «رولان توپور» و «یادداشت‌های زیرزمینی» داستایفسکی نوشته است. او پیش از این، نمایش عروسکی «ای‌وای‌های» را اجرا کرده بود. مرتضی اسماعیل‌کاشی، افشین غفاریان، سارا علیا، منا شریفی، سمیرا طلوعی، برنا اعتمادی، سعید اویسی و رحیم نوروزی در این نمایش ایفای نقش می‌کنند. همچنین سایر عوامل عبارت‌اند از: نورالدین حیدری‌ماهر و حسام غفاری (سرمایه‌گذاران)، آتکیدو دارش (موسیقی)، علی کوزه‌گر (طراح نور)، ستاره امینیان و فرانس اولیویه (طراحان صحنه و لباس)، محمد گودرزپایانی (دستیار کارگردان و برنامه‌ریز)، محمدصادق زرجویان (طراح گرافیک و عکاس)، منا شریفی (منشی صحنه)، سروش امینیان (دکور)، کامران خالص (ساخت ماسک و سِر)، قاسم رحمتی (ساخت عروسک بچه)، فرزاد صبورى (مدیر صحنه)، حسین غفاری (طراحی سایت)، پوریا شهبازیان (دستیار موسیقی)، محسن ضرابی (تصویرسازی) و احمدرضا حجاززاده (مدیر روابط‌عمومی).

«مستاجر» درباره نمایش تازه خود می‌گوید: «داستان مستاجر هرچند شخصیت‌های گوناگون دارد اما به‌راستی قهرمان آن هیچ‌کدام از شخصیت‌ها نیستند. قهرمان، وضعیت است؛ وضعیتی که زمینه را برای خلق چنین شخصیت‌هایی فراهم می‌کند. نمونه‌هایی نظیر «یادداشت‌های زیرزمینی» داستایفسکی و رمان‌های کافکا پیشا‌هنگان این سبک رمان‌نویسی‌اند. زندگی مدرن چنان روابط و واقعیت را مجرد و انتزاعی کرده که واقعیت سراسر است و غیبی، مضمحل و همه‌چیز در میان اب‌ری کدر و سیاه محو شده است». گفتنی است اجرای نمایش «مستاجر» از روز دوشنبه ۲۱ تیرماه ساعت ۲۱ در تالار حافظ شروع می‌شود.



عکس: امیر چندی، شرق

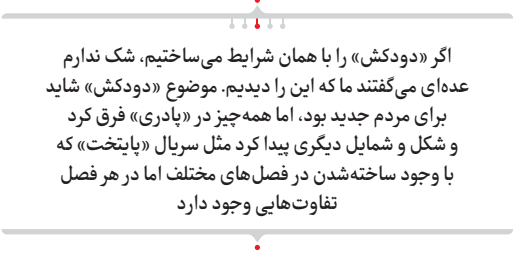
گفت‌وگو با سیمای تیرانداز، بازیگر «پادری»

صحبتهای ما را مدیران نمی‌خوانند

دیگر که به پول ختم می‌شود از این ناحیه ضربه دید. تهیه‌کننده‌ای که ترجیح می‌دهد کار زودتر تمام شود و به‌هرحال سود خودش را ببرد و از بازیگر گرفته تا کارگردان را تیم تولید آسیب می‌بینند.

یکی از موفقیت‌های سربال «دودکش» این بود که زمان خوبی برای ساخت سربال در نظر گرفته شد. درنظرگرفتن زمان کافی برای ساخت یک سربال نکته مهمی است. اتفاقا چندوقت پیش در مورد یک مجموعه صد قسمتی با من صحبت شد و متأسفانه چیزی که دیدم این بود که معیار برای انتخاب بازیگر تنها پول بود. درحالی‌که اصلا متن کاملی هم وجود نداشت. حال در نظر بگیرید که در این شرایط باید با آزمون و خطا سر کار حاضر شد و در نهایت نتیجه کار چه خواهد شد، مشخص نیست. بحث مناسبتی را کنار بگذاریم، تلویزیون ما و سربال‌سازی در سال‌های اخیر ضربه‌های بسیار جدی خورده است و واقعا نیاز به نظارت بهتری است. حتی الان که در مورد این موضوع صحبت می‌کنیم خنده‌ام می‌گیرد. چراکه سال‌های‌سال است در مورد

این موضوع صحبت می‌شود و اصلا هیچ‌کس توجه نمی‌کند. صحبت‌های ما توسط مدیران خوانده نمی‌شود. اگر قرار است مخاطب تلویزیون بیشتر شود باید کیفیت را بالاتر ببریم. چرا تا زمانی که متن یک سربال آماده نیست باید کار کنیم؟ یا مثلا چطور قرار است یک سربال صد قسمتی در هفت‌ماه تمام شود؟ در این شرایط من بازیگر باید بالای ۱۲ ساعت کار کنم، پس نتیجه کارم آن طور که باید نیست، کارگردان و عوامل بیش از پیش خسته خواهند شد



اگر «دودکش» را با همان شرایط می‌ساختیم، شک ندارم عده‌ای می‌گفتند ما که این را دیدیم. موضوع «دودکش» شاید برای مردم جدید بود، اما همه‌چیز در «پادری» فرق کرد و شکل و شمایل دیگری پیدا کرد مثل سربال «پایتخت» که با وجود ساخته‌شدن در فصل‌های مختلف اما در هر فصل تفاوت‌هایی وجود دارد

چراکه معمولا در یک سربال عوامل ماهانه باید بین دو تا سه روز استراحت داشته باشند درحالی‌که در فرصت کم سربال‌سازی ما، اصلا این مورد رعایت نمی‌شود. اینکه چرا نباید برای سال آینده تلویزیون و مناسبت‌هایش برنامه‌ریزی کنیم سؤال بزرگی است که سال‌هاست بی‌جواب مانده. سربال «پادری» هم در مدت‌زمان کوتاهی ساخته شد اما این شانس را داشتیم که بازیگران شناخت خوبی نسبت به‌هم داشتند و یک پیش‌زمینه برای همه ما فراهم بود و باعث شد تا بخشی از کار جلو برود. اما با همه اینها می‌دیدیم چه فشاری روی آقای

نریمانی، نویسنده سربال و باقی عوامل بود.

از «دودکش» صحبت کردید. شاید به دلیل زمان بیشتری که صرف ساختش شد. متنی که برای مردم جذاب بود و بازیگرانی که در سربال حضور داشتند باعث شد تا این مجموعه پرمخاطب شود. درصورتی‌که این اتفاق برای «پادری» تکرار نشد...

سربال «دودکش» متعلق به آقای نیک‌نژاد بود. طبیعی است که شکل و شمایل خاص خودش را داشت. آقای نریمانی نویسنده بسیار خوبی است که «پادری» را نوشت. زمانی که نویسنده تغییر می‌کند دیگر نمی‌توان انتظار داشت همه‌چیز مثل سابق باشد چراکه ذهنیت و سبک کاری دو نفر مثل هم نیست. هر دو این نویسنده‌ها به سبک خودشان نوشتند و نمی‌گویم

راز اخم‌های روی پیشانی

علی نعیمی . منتقد

ساخت برنامه‌های ترکیبی به یمن حضور اسپانسرهای رنگ‌ووارنگ، یک موضوع دست‌نیافتنی است که «ماه‌عسل» در گرداب پول‌های بی‌شمار حامیان مالی تا امروز تن به اتفاقاتی خارج از محدوده اختیارات یک حامی مالی نداده است. اتفاقی که در نگاه اول و با نگرش متفاوت رامبد جوان در سری پیشین برنامه «خندوانه» رخ داد اما در سری جدید، جوان و تیمش اسیر بازی حامیان مالی خود شدند. خیلی از مخاطبان و منتقدان، برنامه «ماه‌عسل» را به دلیل حجم بالای آندوه و تاکید بیش از اندازه گردانندگان آن به گریه‌گرفتن از مخاطبان به سیاه‌نمایی متهم می‌کنند و این‌نوع از برنامه‌سازی را کاری عادی

بهناز شیربائی: سیمای تیرانداز را بیش از اینکه بازیگر سینمای تلویزیون بدانیم، به عنوان یکی از بهترین‌های تئاتر می‌شناسیم؛ هنرمندی که سال‌های بسیار در این عرصه نفس کشیده و کار کرده است. اما صحبت با او به بهانه بیشترین حضورش در تلویزیون بود. مثل همین روزها که «پادری» از شبکه اول سیما با بازی او روی آنتن است و سربال مناسبتی این شب‌ها محسوب می‌شود. گفت‌وگو با تیرانداز با کم‌کاربودنش در سینما آغاز شد و با انتقاد از سربال‌سازی و البته کیفیت سربال «پادری» و در نهایت تصمیم آینده او در حرفه‌اش خاتمه پیدا کرد.

با وجود سابقه و تجربه در تئاتر و سینما، تعداد آثاری که در تلویزیون بازی کرده‌اید کم نیست. شاید بتوان این‌طور تعبیر کرد که شاید شما به فراگیربودن تلویزیون میان اقصاشر مختلف و ارتباط وسیع‌ترش معتقد هستید...

برای من بازیگری، بازیگر است. مدیوم خیلی تفاوتی ندارد. هرچند نمی‌توان منکر این شد که مخاطب تلویزیون با سینما متفاوت است و طبعاً وسیع‌تر است. متأسفانه دلیل کم‌کاری من در سینما تنها به دلیل مشکلات شخصی‌ام بوده است. در این سال‌ها کارهای زیادی پیشنهاد شد که بسیاری از آنها به دلیل هم‌زمان‌شدن با کاری دیگر یا اینکه دوست داشتم وقت بیشتری برای خانواده‌ام بگذارم از طرف من رد شد. من ازجمله بازیگرانی هستم که معمولا از این دسته اتفاقات برایم بیشتر رخ داده است و بیشتر اوقات گرفتار بوده‌ام و نتوانسته‌ام در سینما آن‌طور که باید حضور داشته باشم.

از تلویزیون دور نمی‌شویم بهتر است به سربال «پادری» بپردازیم. شاید بد نباشد ابتدا از مناسبتی‌بودن این سربال صحبت کنیم. شما به‌عنوان بازیگر با سربال‌های مناسبتی بیگانه نیستید و نقاط قوت و ضعف این سربال‌ها را به‌واسطه حضور در آنها بهتر می‌شناسید. افت کیفی این سربال‌ها خصوصا به دلیل نداشتن متن و کارگردانی خوب، نقدهای بسیاری به‌همراه دارد. زمانی که سربالی مناسبتی را برای بازی انتخاب می‌کنید این تردید را ندارید که نتیجه کار شاید اتفاق مطلوبی نباشد؟

بیشترین زمانی که مردم پای تلویزیون می‌نشینند، در مناسب‌هاست و ساخت سربال‌های مناسبتی هم بیشتر توجه به همین موضوع است. درنتیجه هروقت سربالی مثلا در عید یا ماه مبارک رمضان پخش می‌شود بحث و اقبال خوبی برای دیده‌شدن دارد. البته مثلا سربال «نفس گرم» را هم کار کردم که مناسبتی نبود و مخاطب وسیعی داشت. در این سال‌ها برای یک هنرپیشه در زمان‌های مناسبتی کارکردن یعنی مخاطب صد‌درصد داشتن و این یک حسن محسوب می‌شود.

البته در مناسبت‌ها شاید تعداد بیشتری از مردم پای تلویزیون بنشینند اما بحث کیفیت در بسیاری از کارهای تلویزیون در سال‌های گذشته نقدهای بسیاری به‌همراه داشته است. این نکته‌ای است که اتفاقا باعث شده تا تلویزیون مخاطبان زیادی را هم از دست بدهد...

چندسالی است که برخی در تلویزیون اتفاقی را یاب کرده‌اند که خیلی هم خوب نیست. مثلا ساخت سربال در زمان بسیار کوتاه یکی از توانمندی‌های برخی از دوستان قلمداد می‌شود و این سنت توسط عده‌ای جا افتاده که می‌توان در زمان کوتاهی سربال ساخت و پرمخاطب هم شد و اتفاقا ضربه زیادی هم به سربال‌سازی زد. دومین مورد مثل تمام چیزهای

برنامه‌سازان ماه رمضان امسال هم مثل سال‌های

گذشته، بدون برنامه‌ریزی برای این مناسبت کارشان را آغاز کردند؛ برنامه‌ها، فیلم‌ها و سربال‌هایی از سر رف تکلیف که انکار مدیران تلویزیون تا یک ماه قبل از آن نمی‌دانستند ماه رمضان هرساله وجود دارد و باید برای شب‌ها و روزهای آن فکری کنند. در این میان ولاه‌لای انتقادی‌هایی که البته به برنامه‌سازی تلویزیون می‌شود و در میان همه رفتارهای اسپانسر محور برنامه‌های مختلف، شاید تنها برنامه‌ای که توانسته بعد از مدتی به یک شرایط ایده‌آل در ثرم خود برسد، برنامه «ماه‌عسل» با اجرای احسان علیخانی است. می‌دانم از همین ابتدا متهم به وارونه‌نگری و بدسلطیگی می‌شوم. اما در میان تمام جوک‌ها و لطیفه‌های تلگرامی که هرساله برای این برنامه ساخته می‌شود، به نظر می‌رسد در روزهایی که حتی رامبد جوان با برنامه محبوبش روزهای افول و شکست در جذب مخاطب را تجربه